



موازين حقوقی در نظام سلامت

گردآوری و تألیف:

دکتر ناصر صدرممتاز

(عضو هیات علمی دانشگاه)

حامد دهنوی



انتشارات برگا

چاپ اول - ۱۳۹۴

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	پیش گفتار
	فصل یکم: تاریخچه طبابت، آشنایی با موازین حقوقی در بخش سلامت
۱۳	مقدمه
۱۴	در این فصل خواهیم آموخت
۱۴	تاریخچه پزشکی و طبابت در ایران و جهان
۲۸	تعریف حقوق
۲۹	تعریف قاعده حقوقی
۲۹	ویژگی های قاعده حقوقی
۳۰	تعریف نظام حقوقی
۳۰	انواع نظام های حقوقی
۳۱	تقسیمات علم حقوق
۳۴	منابع علم حقوق
۳۵	انواع مجازات بر اساس قانون مجازات اسلامی
۳۶	تعریف بعضی از واژه های حقوقی
۳۷	خلاصه بخش
۴۰	طرح سؤالات برای بحث
۴۱	فصل دوم: موازین حقوقی مرتبط با گیرندگان خدمت در بخش سلامت
۴۳	مقدمه
۴۵	در این فصل خواهیم آموخت
۴۶	اخلاق پزشکی
۴۶	تاریخچه اخلاق پزشکی و حقوق بیمار در ایران و جهان
۵۶	موارد مرتبط با حقوق بیمار در قوانین اساسی کشورهای مختلف
۶۱	سابقه تاریخی رضایت
۶۳	شرایط رضایت معتبر از نظر حقوقی
۶۵	مواردی از حقوق بیماران در امتناع از درمان
۶۶	انواع رضایت
۶۶	چه کسی باید رضایت را اخذ کند
۶۷	برائت
۶۹	دو قاعده فقهی و حقوقی
۷۰	اجزای رضایت
۷۰	وجوه حائز اهمیت کسب رضایت از بیمار
۷۴	اجزاء لازم برای آشکارسازی فعالیت درمانی قابل انجام بر روی بیمار
۷۶	رضایت و اجساد
۷۷	رضایت و کالبدشکافی
۷۸	فرم های مربوط به اخذ رضایت بیمار
۸۶	رضایت و پژوهش
۸۶	شرایط رضایت نامه آگاهانه در ارتباط با پژوهش

صفحه	عنوان
۸۷	اطلاعات مورد نیاز شرکت کننده برای دادن رضایت آگاهانه
۸۸	عناصر هشت گانه اصلی برای رضایت نامه آگاهانه
۸۹	چه کسی باید اطلاعات را تهیه کند و رضایت نامه بگیرد؟
۹۹	رضایت در کشورهای مختلف
۱۰۱	فوریت و تأثیر آن در شرایط توجیه اعمال جراحی یا طبی در ارتباط با رضایت
۱۰۴	رازداری و حفظ اسرار بیمار
۱۰۶	دلایل اهمیت رازداری
۱۰۷	انواع رازداری
۱۰۹	حقیقت گویی به بیمار
۱۱۳	دستیابی به پرونده های پزشکی بیماران
۱۱۳	رازداری در پژوهش های پزشکی
۱۱۹	پاره ای از مواد قانونی ناظر بر حفظ اسرار بیمار
۱۲۰	مدارک پزشکی و رازداری
۱۲۰	موارد تقاضای اطلاعات از پرونده بیمار
۱۲۰	دستورالعمل سازمان مدیریت اطلاعات سلامت آمریکا در خصوص امنیت اطلاعات موجود در پرونده بیماران
۱۲۲	بررسی تطبیقی حق مراجعه بیمار به پرونده های پزشکی
۱۲۵	بررسی تطبیقی رازداری در کشورهای مختلف
۱۲۷	موازين حقوقی انجام پژوهش های علمی روی بیماران
۱۶۵	جایگاه کمیته های اخلاق پزشکی در رعایت حقوق بیماران در پژوهشها
۱۷۰	موازين حقوقی پژوهش بر روی سایر جانداران
۱۷۵	حقوق بیماران در پیوند اعضا
۱۸۲	سابقه تاریخی تدوین منشور حقوق بیمار در دنیا
۱۸۷	بررسی تطبیقی منشور حقوق بیمار
۲۱۱	منشور حقوق بیمار در ایران
۲۱۴	منشور جامع و تفصیلی حقوق بیمار در ایران
۲۱۷	منشور حقوق بیمار در مشاوره های پزشکی
۲۱۸	حق برخورداری بیمار از ارتباط مناسب با پزشک معالج
۲۱۹	خلاصه بخش
۲۲۱	طرح سؤالات برای بحث
۲۲۳	فصل سوم: موازين حقوقی مرتبط با ارائه دهندگان خدمت در بخش سلامت
۲۲۵	مقدمه
۲۲۶	دراین فصل خواهیم آموخت
۲۲۶	موازين حقوقی پرستاران در ارائه خدمات به بیماران
۲۲۸	انواع جرائم پزشکی و دارویی
۲۲۸	تعریف واژه های مرتبط باتخلفات پزشکان
۲۲۹	انواع خطای پزشکان
۲۳۳	اقسام قصور پزشکی
۲۳۳	اهم جرائم پزشکی
۲۳۴	تفاوت جرم و تخلف انضباطی

صفحه	عنوان
۲۳۴	پاره ای از مصادیق تخلف انتظامی پزشکان و صاحبان حرف وابسته
۲۳۵	انواع جرائم پزشکی به معنای اخص
۲۳۵	مواردی از مصادیق مداخله غیرمجاز در امور پزشکی و دارویی
۲۳۶	سیر تطور مسولیت ناشی از اقدامات پزشکی در جهان و ایران
۲۷۶	خلاصه بخش
۲۷۸	طرح سؤالات برای بحث
۲۷۹	فصل چهارم: سازمان ها و قوانین مرتبط با حقوق ذی نفعان بخش سلامت
۲۸۱	مقدمه
۲۸۱	دراین فصل خواهیم آموخت
۲۸۲	سابقه امور پزشکی در قوانین مجازات اسلامی
۳۱۴	پزشکی قانونی، نقش و جایگاه آن
۳۲۵	قانون تعزیرات حکومتی خدمات تشخیصی درمانی
۳۴۱	قانون اصلاح قانون تعزیرات حکومتی
۳۴۲	روند احقاق حقوق بیماران در جریان دعوی
۳۴۹	قانون سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران
۳۶۸	قانون تشکیل سازمان نظام پرستاری
۳۷۶	ماده ۹۲ قانون برنامه چهارم توسعه و آیین نامه اجرایی آن
۳۸۱	آیین نامه نحوه تاسیس و بهره برداری از بیمارستان ها
۳۹۸	آئین نامه جدید تاسیس و اداره داروخانه ها
۴۲۰	آیین نامه تاسیس و اداره امور آزمایشگاه های تشخیص پزشکی
۴۳۵	آیین نامه تأسیس مؤسسه رادیولوژی و مرکز تصویربرداری پزشکی
۴۴۷	دستورالعمل مراکز توانبخشی و نگهداری شبانه روزی سالمندان
۴۷۲	آیین نامه تأسیس درمانگاه (کلینیک)
۴۸۴	قوانین محل مطب پزشکان، مصوب ۱۳۶۶
۴۸۴	قانون اجازه تأسیس مطب مصوب ۱۳۶۲/۵/۱۸
۴۸۴	آیین نامه اجرائی قانون اجازه تأسیس مطب، مصوب ۱۳۶۳/۱۱/۱۷ هیئت وزیران
۴۹۳	مصوبه کمیسیون تبصره ۷ ماده ۱۳ آیین نامه اجرائی قانون اجازه تأسیس مطب
۴۹۵	شرح وظایف مسئول فنی بیمارستان
۴۹۷	ارزشیابی و اعتبار بخشی بیمارستان ها
۵۰۰	درجه بندی بیمارستان ها بر حسب امتیازات مکتسبه
۵۰۰	حوادث و فوریت های پزشکی
۵۰۰	قانون مجازات خودداری از کمک به مصدومین و رفع مخاطرات جانی
۵۰۳	قانون حفاظت در برابر اشعه و مواد یون ساز
۵۱۰	قانون و آیین نامه انطباق امور پزشکی با موازین شرع مقدس
۵۱۷	قانون کار
۵۶۸	خلاصه بخش
۵۷۰	طرح سؤالات برای بحث
۵۷۱	فصل پنجم: موازین حقوقی مرتبط با موارد خاص
۵۷۳	مقدمه
۵۷۳	دراین فصل خواهیم آموخت

صفحه	عنوان
۵۷۴	پیوند اعضا
۵۷۷	تاریخچه پیوند اعضا در جهان و ایران
۵۷۹	پیوند کلیه
۵۷۹	پیوند کبد
۵۸۰	پیوند قلب و ریه
۵۸۱	پیوند پانکراس
۵۸۱	پیوند مغز استخوان
۵۸۱	پیوند قرنیه
۵۸۲	سایر انواع پیوند
۵۸۲	پیوند اعضا از دیدگاه مذاهب
۵۸۶	قانون پیوند اعضا
۵۸۹	بررسی تطبیقی پیوند اعضا
۶۰۱	بانک های اعضا
۶۰۳	موافقت بر اهدای عضو
۶۰۴	ارتباط مادی بین دهنده و گیرنده
۶۰۹	افزایش پیوند از فرد زنده در کشورهای جهان و مسائل اخلاقی مربوط به آن
۶۱۰	دریافت عضو از نوزاد آنسفال
۶۱۱	پیوند از جسد
۶۱۱	دیدگاه‌ها در قبال پیوند از جسد
۶۱۸	روشهای کسب رضایت در پیوند از جسد
۶۲۱	پیوند از جسد بدون قلب و مسائل اخلاقی آن
۶۲۲	معامله اعضای پیوندی
۶۲۳	پیوند از حیوانات
۶۲۴	مباحث اخلاقی مطرح در پیوند از حیوانات
۶۲۴	دیدگاه اسلام در مورد حقوق حیوانات
۶۲۶	مرگ مغزی و اتانازی
۶۳۰	قوانین و دستورالعمل های اخلاقی اتانازی و خودکشی توسط پزشک
۶۳۱	قطع اعضا از بدن مرده
۶۳۶	پروتکل مرگ مغزی در ایران
۶۳۷	سطوح مختلف هوشیاری و افت سطح هوشیاری
۶۴۰	ناباروری
۶۴۱	قانون نحوه اهداء جنین به زوجین نابارور
۶۴۳	آیین‌نامه اجرایی قانون نحوه اهداء جنین به زوجین نابارور
۶۴۴	سقط جنین
۶۴۵	سقط جنین ضروری
۶۴۹	اعمال جراحی جلوگیری از باروری
۶۵۱	سقط جنین در قانون مجازات اسلامی
۶۵۲	سقط جنین در قوانین ایران
۶۶۰	خلاصه بخش
۶۶۲	طرح سؤالات برای بحث
۶۶۳	فهرست منابع

پیشگفتار

از آنجا که عنصر دانش و اطلاعات و سرعت دسترسی به آنها و گردش آزاد آن در عصر حاضر به گونه ای است که می رود فراتر از زمان و مکان عمل نموده و بدون وقوف و تسلط تامه بر آنان، طی طریق در مسیر حیات معقول محال می نماید و هم چنین تغییرات و تحولات روزافزون و پدیده های نوپدید که نتایج محیرالعقول آن را بشریت در طلیعه نخستین هزاره سوم شاهد بوده و عصر کنونی را به عصر تحولات شتابنده و مملو از تغییر بدل نموده است و هم چنین امتزاج علوم مختلف آنقدر بدیهی الثبوت گردیده که در این میان آمیختن حقوق با مقوله سلامت به مثابه اندام های یک پیکر از مصادیق بارز آن است.

طبابت در میان ابنای آدمیان در تمامی اعصار همواره از قداست خاصی برخوردار بوده، چرا که شریف ترین پدیده هستی یعنی انسان موضوع علم طبابت است. و چون میزان قدر و مکیال ارج هر چیز بر مدار انسان می چرخد و انسان موجودی ممتد در امتداد نظام هستی است و مرتبت مادی او به نام بدن مبدأ تکون او در تحت تدبیر منفرد به جبروتست لذا به هر اندازه که واجد طبایع معتدل و ارکان مزاج بایسته تر همسان با تعادل روحی و روانی او باشد قابلی قویتر و شریف تر برای به فعلیت رسیدن کمال انسانی او خواهد بود.

استکمال نفس ناطقه انسانی که ترقی وی از عقل هیولانی تا به مرتبه عقل مستفاد و مافوق آنست، بدون کمال بدن که صحت آنست صورت نمی پذیرد چه اینکه بدن مبتلای به آلام و اسقام از استقامت افکار باز مانده و سیر تکاملی انسانی برایش میسر و میسر نیست و برای حصول به این مرتبه سوار شدن انسان در کشتی طبابت امری محتوم و مقدس است لذا تقوی شغلی و حرفه ای ضامن اجرای صحیح و بدون خدشه وظایف و تکالیف حرفه طبابت است و

نظر به اهمیت شغل پزشکی و سایر شاغلین این گروه که در تولید محصول سلامتی مسولیتی تضامنی دارند تدوین و اشاعه اصولی که بالمآل به تخلق شاغلین این گروه به اخلاق و صفات حمیده با ضمانت های اجرایی حقوقی بیانجامد از اموری است که تصورش موجب تصدیق است .

کتاب حاضر که حاصل تلاش و زحمات چند ساله پدید آورندگان آنست، با خوشه چینی از خرمن علم و تجارب پیش کسوتانی که گام های بلند آغازین را در این عرصه برداشته و فتح بابی شگرف نمودند ، به گونه ای تدوین گردیده که رافع نیازهای پزشکان و شاغلین گروه پزشکی و پیراپزشکی و پرستاران و بیماران و سایر نیازمندان در این عرصه گردیده و شاید در نوع خود اولین اثر در این زمینه باشد، که مطالب مرتبط در این حوزه را به صورت تجمیعی و یکجا در اختیار مخاطبین خاص و عام خود می گذارد، به نحوی که خواننده را از مراجعه به کتب مختلف بی نیاز می گرداند و دقیقا به همین دلیل اثر حاضر که در نوع خود فتح بابی جدید نموده است خود را بی نیاز از گداخته شدن در کوره اندیشه فرهیختگان اندیشمند و آگاهان صاحب نظر ندانسته و توصیه های عالمانه و حکیمانه آنان را همچون شمعی فراروی خود در چاپ های بعدی مطمح نظر خواهد داشت تا پدید آورندگان با بهره مندی از ارشادات آنان بتوانند بیش از پیش منشاء اثرات کثیره و مهمه ای گردند.

پدید آورندگان

Email: mavazinbook@gmail.com

Weblog: mavazinbook.mihanblog.com



فصل ۱

**تاریخچه طبابت، آشنایی با موازین حقوقی
در بخش سلامت**

مقدمه

تاکید بر حقوق بیمار در عرصه مراقبت های بهداشتی درمانی و ملحوظ داشتن شان انسانی بیمار به مصداق اتزعم انک جرم صغیر و فیک انطوی العالم اکبر (منسوب به امام علی (ع) تو گمان می بری که موجود کوچکی هستی در حالی که عالم کبیر در تو منطوی است) زمانی اهمیت دوچندان می یابد که آسیب پذیری بیمار و اختلاف زیاد سطح آگاهی او نسبت به بیماری و شیوه های درمانی او را به آسانی در معرض تخلفات و قصور و تقصیرها در سیستم های بهداشتی درمانی قرار می دهد. از دهه ۱۹۷۰ تمایل فزاینده ای بر جنبه های حمایتی از بیماران در سراسر اروپا معطوف شده است. تصویب منشور اجتماعی شورای اروپا در سال ۱۹۶۱ میلادی و تشکیل شورای اروپایی نظارت بر حقوق بیمار و مرگ در سال ۱۹۷۶ و تصویب منشور حقوق بیماران توسط کمیته بیمارستانی جامعه اقتصادی اروپا در سال ۱۹۷۹ میلادی و هم چنین اعلامیه حقوق بیمار و مجمع پزشکی جهانی در سال ۱۹۸۱ به موقعیت اساسی بیمار در مراقبت های بهداشتی در پیشرفت های بین المللی اشاره دارد.

لذا در نظام پیچیده سلامت که از یک سو سر در گرو تغییرات رو به پیشرفت داشته و از سوی دیگر از وظایف حاکمیتی دولت ها محسوب می شود تدوین حقوق متقابل ارائه دهندگان خدمات سلامت و گیرندگان خدمات مذکور آن قدر ضروری می نماید که در صورت عدم تدوین آن و تعیین روابط دقیق دو طرف موجبات بهم خوردن توازن اجتماعی در میان جوامع بوده و یکی از گزاره ها و مولفه های شگرف در حفظ سرمایه اجتماعی انسان ها در کلیه جوامع می تواند در گرو تدوین و انتشار و آگاهی رسانی در عرصه حقوق سلامت همه افراد و سازمان های دست اندر کار باشد.

امروزه در اغلب کشورهای پیشرفته در راستای تنظیم عملکرد دست اندرکاران ارائه خدمات بهداشتی درمانی؛ قوانینی وضع شده که حدود عملکرد دقیق متخصصان را مشخص می‌نماید و این تعیین حدود و حفظ حقوق اساسی انسان در قوانین اساسی و یا جاری کشورها منعکس بوده و با توجه به جهات سیاسی و اخلاقی و اقتصادی و اجتماعی فراوانی که در راستای حفظ حقوق بیماران مطرح گردیده است وقوف بیش از پیش بیماران به حقوق خود و انتظام روابط بیمار و گروه پزشکی و موسسات بهداشتی درمانی فربه تر از هر زمان دیگری ضروری می‌نماید.

در این فصل خواهیم آموخت

در این بخش با تاریخچه طبابت در ایران و جهان آشنا شده و به تشریح برخی از مفاهیم حقوقی تا آن جا که به ورود در بحث موازین حقوقی در نظام سلامت کفایت می‌کند پرداخته می‌شود. از جمله به تعاریف حقوق و قاعده حقوقی و ویژگی های آن خواهیم پرداخت. انواع نظام های حقوقی و منبع و خاستگاه تغذیه فکری هر یک و هم چنین حقوق بین الملل و شقوق آن و حقوق داخلی و انواع آن و منابع علم حقوق و انواع مجازات های رایج و تعریف بعضی از واژه های مرتبط از دیگر مباحث مطروحه در این بخش خواهند بود.

تاریخچه پزشکی و طبابت در جهان و ایران

تاریخ طب در میان کلیه تواریخ از قدیمی ترین آن ها محسوب شده زیرا آدمی از آغاز زندگی همواره درد و رنج را به همراه داشته است و بر اساس فطرت طبیعی می‌کوشیده که برای رفع آن گام بردارد و برداشتن آغازین گام ها در راستای دفع درد و رنج را می‌توان تاریخ شروع طب دانست و اولین انسان که توانسته دفع درد از خود و یا دیگری بنماید اولین طبیب بشر بوده است.

به عقیده کثیری از مورخین، کشور مصر نخستین خاستگاه بروز طبابت است و این بلاد واجد نمونه های بسیار قدیمی از طب است. مصریان موجد طب را ایزیس و مدون کننده آن را هرمس می‌دانستند. ایمهوتب پزشک مشهور مصری است که در ۳۵۰۰ قبل میلاد می‌زیسته و

از نظر وجهه اجتماعی به مقام خدایگانی رسیده و مانند اسطیبیوس در یونان به مقام رب‌النوعی نایل گردیده بود. مصریان سحر و جادو را در طب همانند سایر اقوام دخالت می‌دادند هر چند خروج طب از مقولات خرافات را به بقراط طبیب توانای یونانی نسبت می‌دهند ولی تمیز و استقلال طب از سحر و جادوگری از مصر آغاز شد.

معالجات در منازل صورت گرفته و معابد نیز مکان درمان درمندان بوده است و تا ظهور بقراط، طب با معابد به گونه ای عجین بوده که عمدتاً پزشکان از طبقه کشیش ها بوده اند و شیوه های درمان با تمسک بر اوراد قبل از بقراط با قوت و ضعف در تمامی جهان ساری و جاری بوده است.

طبابت در چین

طبابت در چین که منشا حیات در جهان را با پنج عنصر آب، آتش، فلز، خاک و چوب برشمرده و آن را مرتبط با پنج عضو از اعضای بدن آدمی دانسته به نحوی که کلیه را از آب، قلب را از آتش و ریه را از فلز و طحال را از خاک قلمداد می‌کردند به سالیان دور قبل از میلاد مسیح برمی‌گردد.

چینیان پدر علم طب خود را شن نونگ که واجد کتابی به نام پن تساو او یا گیاه نامه است می‌دانند که در حدود سال های ۲۸۰۰ ق.م می‌زیسته است. چینیان در شناخت انواع و اقسام نبض تبصره داشته و درمان آن ها بر اساس امساک از خوردن غذا و زدن سوزن به بدن بوده است. توسعه بهداشت همگانی در زمان حاکمیت سلسله «چو» متداول بوده و در آن عصر پزشکان جراح می‌زیستند.

چینیان در مراکز کشوری خود امکنه ای را برای افراد محجور و ناقص الخلقه، چیزی شبیه بیمارستان های امروزی فراهم کرده بودند. تا این که ۱۵۰ سال پس از میلاد طیبی به نام چانگ چونگ چینگ که ملقب به لقب بقراط چین گردید، کتب زیادی را در خصوص درمان و معالجات کلینیکی و مشاهدات عوارض بیماری ها تالیف نمود که منجر به تدوین مقالاتی در خصوص بیماری های مختلف از جمله تیفوئید گردید.

طبابت در آیین یهود

این قوم در درمان بیماری ها شیوه مخصوص به خود را داشته و کبد را موجب پیدایش همه امراض می دانستند و از جراحی و شکسته بندی نیز مطلع بوده به نحوی که استخوان های دررفته را جا می انداختند. پدیده ختنه در آیین آنان از واجبات دین بوده و از اولین اقوامی بودند که این عمل را آموخته و دیگران را از آن مطلع نموده اند. عبری ها با استفاده از دستورات تورات رعایت بهداشت و استراحت و به تبع آن یک روز تعطیل در هفته را جهت پرداختن به آن امور مدنظر قرار داده و قرنطینه و تطهیر بیمار پس از درمان را مورد توجه قرار می دادند.

در تاریخ قوم بنی اسرائیل به تاسیس منازل برای پذیرایی از بیماران خارجی که خود نوعی بیمارستان محسوب می شود بر می خوریم. عبری ها به دلیل تاکید فراوانی که در تورات در زمینه مسائل بهداشتی و رعایت قوانین طبی و جلب پیشگیری به آن ها شده است با توجه به زیربنای تفکری که خود را قوم برگزیده خداوند می دانستند طب مخصوص به خود را داشتند که طب سایر ملل کمتر در آن مداخلت داشته بلکه بسیاری از طبابت ها در سایر اقوام از طب یهود نشأت می گرفت که به مرور زمان طب اقوام دیگر سرآمدتر از طب یهود گردید.

طب در زمان حمورابی

حمورابی پادشاه بابل که در ۲۲۰۰ سال پیش از میلاد می زیسته در راستای حفظ حقوق بیماران و صدماتی که ناشی از کم توجهی و عدم مهارت افراد معالجه گر پدید می آمد قوانینی وضع و مجازات هایی را معین کرده و مشوق هایی را برای اطبایی که اعضا و جوارح درونی بیمار را معالجه می کردند قرار داده بود.

بابلیان حدود ۴۰۰۰ سال قبل از یونانیان در امور طب و طبابت دستی داشتند هر چند به زعم آنان رب النوع ها به واسطه ارتکاب گناه برای انسان ها بیماری را به عنوان نوعی مجازات نازل می کردند. به همان قیاس درمان بیماری ها را نیز ناشی از شفاعت رب النوع ها می دانستند و روحانیون آن ها نیز در کار طبابت منشا اثراتی بودند.

حتی با انقراض بابلیان توسط آشوریان، میراث طب آنان همچنان حفظ گردید و با حفظ

اعتقاد به این نکته که ارواح خبیثه باعث پیدایش بیماری می‌گردند هر قدر بیماری را وخیم‌تر می‌یافتند داروی تهوع آور بیشتری به بیمار می‌دادند.

قانون مکافات و پاداش برای طبیب که در قانون نامه حمورابی بود از ویژگی های بارز طب آشوری گردید. تنها وجه تمایز بارز طب آشوری رعایت بهداشت همگانی بود و شاید بشود آشور را یکی از اولین اقوامی دانست که خود را مقید به رعایت بهداشت عمومی می‌دانستند.

طب در هند

طب هندی از زمان قدیم واجد جایگاه رفیعی بوده است. هندیان ادامه حیات انسانی را در گرو اعتدال تنفس و خون و صفرا دانسته و بروز بیماری را ناشی از برهم خوردن تعادل یاد شده قلمداد می‌نمودند و وظیفه طبیب را در اعمال راه کارهایی جهت بازگشت این تعادل می‌یافتند. طبابت هندی به همراه تشفی از مجرای ذکر اوراد بوده و بیماری را نوعی خشم خداوند قلمداد می‌کردند و در مواقعی که اپیدمی اتفاق می‌افتاد با استغاثه به درگاه خداوند طلب بخشش و آمرزش گناهان را داشته اند. پزشکان در طبابت هندی می‌بایست مظهر نظافت و پاکی بوده ملبس به یونیفرم سفید که مظهر پاکی است باشند. هندیان از اولین اقوامی بودند که ۶ سده قبل از میلاد بیمارستان داشته و برای هر ۱۰ قریه یک طبیب و یک بیمارستان بنا کرده بودند و حتی در سه قرن قبل از میلاد دارای بیمارستان هایی شبیه بیمارستان های امروزی بودند. در طبابت هندی ضمن تاکید بر بهداشت فردی توصیه بیماران به استفاده از میوه جات و سبزیجات تازه جایگاه خاصی دارد.

طب در یونان

یونانیان برای طب ماخذ آسمانی و الهی قایل بودند و پدر طب یونان را اسقلیپوس فرزند آپولو می‌دانستند و تا مرز پرستش برایش الوهیت قائل بودند. جایگاهی که اسقلیپوس در یونان داشته، شبیه جایگاه ایمهوتپ در مصر بوده است. در سرزمین یونان جایگاه هایی وجود داشت که در آن درمان همراه با عبادت بیماران از مسیر ارتباط با کاهنان برقرار می‌شده است که از نظر روانی بیشتر جنبه درمانی داشته است و به این مکان ها اسکلیپون که مترادف با

درمانگاه های امروزی است گفته می شود. اصولاً دو مکتب طبابت در یونان قدیم وجود داشت مکتب کوس و کیندوس نام داشتند که در مکتب کیندوس در خصوص بیماری های خاصی بحث می شده در حالی که در مکتب کوس از بیماری های عمومی سخن به میان آمده است که طب دنیا بیشتر تحت تاثیر مکتب کوس که از بیماری های عمومی سخن به میان آورده قرار گرفته است.

دوران شکوفایی و رونق طب یونان را می توان طب بقراطی نامید. بقراط در سال ۴۶۰ قبل از میلاد در جزیره کوس به دنیا آمد او یکی از اعضای هیات اسکلیپوس بود. طب بقراطی بیشتر بر اساس اخذ شرح حال و تاریخچه بیماری از بیماران و اصول علمی و تجربی استوار بود تا اوراد و ادعیه. بقراط به تفصیل در رابطه با آب و هوا و مکان سالم بحث کرده و تاثیر آن ها را در صحت بدن بر شمرده است. تاثیر تغذیه سالم در حفظ صحت بدن نیز از منظر بقراط دور نمانده بود.

بقراط در خصوص بیماری های واگیر ید طولایی داشته به نحوی که اطبای پس از او حتی در سایر ملل از آثار بقراط بهره وافر برده اند. پس از بقراط کسانی چون افلاطون ۴۳۰ ق.م و ارسطو ۳۸۴-۳۲۲ ق.م منشا اثراتی در علم طب بوده اند که به طور مثال افلاطون سلامت مزاج را ناشی از اعتدال اخلاط اربعه یعنی خون، بلغم، سودا و صفرا می دانسته و بهم خوردن این اعتدال را موجبات بروز بیماری می دانست. ارسطو به عنوان پزشک و طبیب و شاگرد افلاطون نبض و محل آن را شناسایی نموده و از عفونت ها و بیماری های مسری سخن رانده است.

طب در روم باستان

طب رومی انعکاسی از طب یونان و مکتب طب اسکندریه بوده است و اطبای رومی بر سیاق اطبای دو مکتب طب یونان و طب اسکندریه بودند. هروفیل (۳۲۰ قبل از میلاد) از دانشمندان طب اسکندریه بود در انجام عمل تشریح ید طولایی داشته و در مورد شریان ها و جریان خون صاحب نظرانی بود که به جالینوس به ارث رسید.

از نوادر طب رومی دیوسقوریدوس (۵۶ پس از میلاد) است که درباره کاربرد گیاهان دارویی مبدع روش های درمانی خاصی بود.

جالینوس حکیم (۲۰۰-۱۳۱ میلادی) برای اولین بار نبض را علت انقباض و انبساط قلب دانسته و به عارضه قطع نخاع پی برده به طوری که ۱۲۰۰ سال اهمیت تشریح جالینوس در عالم طب جهان بر همگان هویدا بود او بیش از ۱۸۰ اثر داشته که در اثر آتش سوزی از بین رفتند. جالینوس به طبایع اربعه و ارتباط آن با عناصر معتقد بود به طور مثال سودا را به خاک، صفرا را به آتش، خون را به هوا و بلغم را به آب تشبیه می کرد او به درمان از راه ماساژ اعتقاد داشت. جالینوس معجونی از علوم طب داخلی و جراحی و داروسازی بود که تا مدت های مدیدی جهان پزشکی ریزه خوار خوان دانش او بودند. رومیان در امر بهداشت عمومی و اهمیت آب پاکیزه در سلامتی انسان کوشا بوده و آنان نیز بیمارستان هایی برای مجروحین و بیماران می ساختند.

طب در ایران

تاریخ طب ایران تا آن مقدار که تاریخ نشان می دهد به آریاییان اولیه که زادگاه آنان خوارزم امروزی بوده است برمی گردد. بر اساس نوشته های زرتشتی نخستین طبیب تریتا بوده است و تا حدود ۷ قرن قبل از میلاد اثری از طب یونانی در ایران دیده نمی شود. پادشاهان هخامنشی بر اساس کشورگشایی هایی که کردند از طب سایر اقوام استفاده نموده تا این که بعد از پیدایش بقراط و به تبع آن طب بقراطی و امتزاج دو ملت ایران و یونان در اثر جنگ های طولانی طب ایرانی متأثر از طب یونانی شد.

ایرانیان باستان به فرشته ای به نام سئوک معتقد بودند که الهه و فرشته سلامتی بود و بیماری را ناشی از وجود دیوان می دانستند و در کتب ایران باستان از کلمات دیو به کرات یاد شده است مانند دیو خواب، دیو مرگ و ایرانیان باستان از طریق آمد و شد با هندیان بسیاری از گیاهان را از هند به ایران آورده و در درمان با داروهای گیاهی تبحر داشتند و حتی واژه نوش دارو که می بایست معجونی از داروها و مواد متعدد باشد در بیماری های صعب العلاج کاربرد داشت و یا به جنگجویانی که زخم های کاری برداشته اند داده می شد.

مکاتب طبابت ایران باستان

اصولا ایرانیان باستان واجد دو مکتب طبی بودند که یکی مکتب مزدیسنا بود که منبعث

از تعالیم زرتشت بوده است که منعقد کردن طبابت از خرافات در این مکتب نشانگر آن است. دیگری مکتب اکباتان که یک صد سال پس از زرتشت توسط یکی از شاگردان وی به نام ستناپوراهوم ستوت تاسیس گردید. او با یکصد نفر از شاگردان خود عهده دار کار درمان مردم بود. در اوستا اولین طبیب تریتا پدر گرشاسب است که بنابر عقیده زرتشتیان بیماری ها را از بدن برطرف نموده و طبیب بزرگ طب زرتشت تراتاونا است که مخترع علم طب است.

انواع درمان ها در ایران باستان

در ایران باستان روان درمانی با ادعیه که آن را منتره یا کلام الهی می خواندند در هنگامی که از درمان گیاهی و جراحی نومید می شدند استفاده می گردید. همچنین گیاه درمانی که عصاره فشرده و جوشانده و پخته شده گیاهان را به صورت ضماد، خوراکی و بخور به بیمار می دادند و دیگری کارد درمانی بود که وقتی یک پزشک حق داشت یکی از پیروان دین زرتشت را جراحی کند که مسبوق به سابقه جراحی سه نفر غیر از پیروان زرتشت باشد و برای انجام عمل جراحی ترکیبی از شراب و بنگ استفاده می کردند. معالجه روان بیمار در طب ایران باستان واجد مقام ارزشمندی بود. به طوری که از تاریخ برمی آید مراکز تربیت پزشک در ایران باستان سه مرکز ری، همدان و پرسپولیس بودند که پزشکان تحت نظر فرمانداران تربیت می شدند که یک دسته روان پزشکان و دسته دوم گیاه پزشکان بوده و دسته سوم جراحان بودند و اطبا عمدتاً از میان اشراف و نخبگان کشوری انتخاب می شدند

مکتب جندی شاپور در طب ایران

در دوران ساسانیان ایرانیان در بهره مندی از علوم سایر اقوام کوشش وافر روا داشته و بانیان این سلسله یعنی اردشیر بابکان و شاپور اول و دوم و انوشیروان در راستای جمع آوری کتب علمی و طبی سایر ملل و اقوام تلاش فراوانی نمودند و عده ای از پزشکان یونانی جهت تدریس طب در زمان شاپور اول به ایران فراخوانده شدند و پس از غلبه شاپور اول بر والرین امپراتور روم شهر جندی شاپور به دستور شاپور اول توسط اسرای رومی ساخته شده و به عنوان مرکز علمی و طبی علوم یونانی و مصری به ایران زمین راه یافت. حدود ۳۰ طبیب متشکل از طبیان هندی، ایرانی و یونانی در بیمارستان جندی شاپور شاغل بودند که عمدتاً پزشکان یونانی عهده دار کرسی تدریس می شدند. بین دانشگاه جندی شاپور و بغداد مبادلات علمی و اساتید

برقرار بود و خلفای بغداد اعتقاد راسخ به طبابت اطبای جندی شاپور داشتند. طب ایران از دوران ساسانیان تا اواسط قرن ۴ ه.ق بر ستون جندی شاپور استوار بود.

بدین ترتیب در ایران بیمارستان های جندی شاپور و ری در قرن سوم و چهارم هجری قمری و مدتی به ریاست رازی برقرار بوده و در زرنند بیمارستانی توسط عمرو بن لیث صفاری ساخته شده و در اصفهان نیز در سده چهارم هجری قمری بیمارستانی برپا بوده و در نیشابور و مرو نیز بیمارستان هایی وجود داشت.

در مدرسه پزشکی جندی شاپور دانشمندان یونانی طب بقراطی را تدریس می کردند. محمد ابن زکریای رازی که در قرن چهارم هجری قمری می زیسته است و در زمینه طب و طبابت ید طولایی داشته و واجد آثار کثیری از جمله کتاب الحاوی که یک دوره کامل طب بوده و در سال ۱۲۷۹ میلادی با عنوان کونتیننس به زبان لاتین ترجمه شده و بالغ بر ۶ سده در دانشگاه سوربون فرانسه در رشته پزشکی تدریس می شده است.

ابن سینا بزرگترین دانشمند ایران و از اندیشمندان گران سنگ در حکمت و طبابت جهان است که در قرن پنجم می زیسته و کتاب قانونش در طب شهرت عالم گیر داشته که در خصوص قوانین کلی طب، داروهای ترکیبی و غیر ترکیبی و امراض مختلف می باشد. این کتاب در قرن ۱۲ میلادی با آغاز نهضت ترجمه در غرب به زبان لاتین برگردان شد و هم اکنون ترجمه آن به زبان های انگلیسی، فرانسه و آلمانی وجود دارد. کتاب قانون بوعلی معجونی از دانش طب باستان و دوران اسلام است و به عنوان متن اصلی درس پزشکی قرن ۱۷ میلادی در کنار آثار جالینوس و موندینو در دانشگاه های لوون و مون پلیه تدریس می شد.

سده های نهم تا چهاردهم میلادی دوره زرین پزشکی ایران نام گرفته است چرا که شخصیت های برجسته ای مثل علی ابن طبری مولف کتاب فردوس الحکمه و رازی صاحب الحاوی و علی ابن مجوسی اهوازی نویسنده کتاب کامل الصناعه الطیبیه الملکی و ابن سینا مولف کتاب قانون در طب و اسماعیل شرف الدین جرجانی نویسنده کتاب ذخیره خوارزمشاهی ثمره این دوره هستند.

کتاب ذخیره خوارزمشاهی نسبتاً قطور و در حدود کتاب قانون ابن سینا و شامل نه کتاب است. کتاب اول درباره فیزیولوژی، کتاب دوم درباره پاتولوژی و همچنین فیزیولوژی اطفال،

کتاب سوم درباره درمان بیماری ها، کتاب چهارم درباره اهمیت تشخیص بیماری ها، کتاب پنجم درباره انواع تب ها، کتاب ششم درباره بیماری های محلی و زنان و هم چنین بیماری گواتر، کتاب هفتم درباره شرایط مختلف جراحی و شکسته بندی (ارتوپدی) کتاب هشتم و کتاب نهم درباره انواع مسمومیت های ناشی از نیش حشرات و یا خوردن گیاهان و مواد معدنی مسموم بوده که درمان و پادزهر هر یک بیان می گردد و غیر از این موارد صاحب تالیفات دیگری هم بوده است.

در زمان حکومت سلجوقیان در عهد پادشاهی آلپ ارسلان بیمارستان تنشیه در نزدیکی نظامیه بغداد ساخته شده بود و در این عصر پزشکی به نام عبیداله بوده که بسیار چیره دست بوده و کتابی درباره خواص شیر انواع حیوانات تالیف نموده است.

همزمان با عبیداله پزشک معروف دیگری در ایران می زیست به نام ابن ابی صادق که شاگرد ابن سینا بوده و بعدا خود طبیب مشهوری می شود که کتابی تحت عنوان مقدمه ای بر منافع الاعضاء جالینوس می نویسد و پس از وی کسانی مانند عبدالرحمن سرخی از اطباء نامدار پدیدار شدند و سپس کسانی مانند ابوالفرج عبدالله بن الطیب و علی ابن رضوان سعدبن بشیربن عبدوس بغدادی ظهور کردند.

پزشکی ایران در عهد استیلای مغول

در قرن ۱۳ میلادی که عصر استیلای مغول بر ایران است شیوه های درمانی معمول ناچیز مرسوم در میان مغولان در مقابل طب ایران بسیار ناچیز بود و لذا وقتی چنگیز خان سمرقند را فتح کرد به دلیل عارضه درد چشم که تا آن زمان اطبا از درمان آن عاجز بودند یکی از پزشکان سمرقند را پزشک مخصوص خود قرار داد و در دربار مغولان واجد قدر و منزلتی شد. از آن جا که آگاهی مغولان در رموز علم پزشکی محدود شد و ناچار از اسرای عالمی که در اختیار داشتند در امر طبابت استفاده می نمودند کم کم دستور دادند که در قتل عام ها کسی به اطبا و آهنگران و صنعتگران کاری نداشته باشد و دیری نگذشت که دانشمندان به ویژه طبای ایرانی تفوق خود را به مغولان به اثبات رسانیده تا جایی که پزشکان قوم مغلوب به مقامات شامخ دولتی منصوب شدند.

تا این که خواجه نصیرالدین طوسی در قرن ۱۳ وزیر هلاکوخان شد و جان هلاکوخان را

در اثر اشتباه یک فصاد که شیریان را به جای ورید قطع کرده بود نجات داد. پس از مرگ خواجه نصیرالدین طوسی ابوالفرج در سال ۱۲۲۶ میلادی متولد شد که پدرش شغل طبابت داشت و پس از تحصیل در طب در بیمارستان الثوری دمشقی به کار مشغول شد و کتابی تحت عنوان مختصرالدول تالیف کرد که شرح حال بسیاری از پزشکان در آن است. او کتابی در طب شبیه الحاوی رازی دارد و مقالات و تفاسیری بر آثار ابن سینا نوشته است. در زمان سلطنت اباقآن و پسرش پزشکی بنام قطب الدین که اثر تحفه السعدیه را در تفسیر قانون بوعلی نوشته می‌زیسته و اصالتا شیرازی بوده و کتابی هم در چشم پزشکی داشته و در سال ۱۳۱۱ میلادی وفات کرده است.

بر طبق روایتی، زبیده خاتون، یکی از زنان هارون الرشید دچار بیماری صعب العلاجی بود که توسط یک پزشک ایرانی معالجه شد و در قبال دریافت پاداشی می‌خواهد که شهری در ایران بنا کند و آن شهر نامش طب ریز (تبریز) بوده است و به روایت دیگری یکی از سرداران هارون الرشید بیماری مالاریا داشت که در شهر تبریز سلامت خود را بازیافته و نام آن را تبریز نهاد، به هر حال پیدایش این شهر را به نحوی مرتبط با علم پزشکی می‌دانند. در زمان سلطنت غازان خان پسر ارغون شاه مغول که اسلام آورده بود رشیدالدین از پزشکان حاذق به مقام وزارت می‌رسد و ۲۲ سال بر اریکه وزارت تکیه زد و منشا آثار و برکات عدیده ای گردید از جمله احداث بیمارستان ها و کتابخانه های متعدد در ایران آن روز و بیمارستانی در تبریز بنیان نهاد که به گفته ادوارد براون ۵۰ پزشک در آن کار می‌کردند و هر پزشکی مسئول تعلیم ۱۰ دانشجو بوده است و در همدان نیز بیمارستان مشابهی بنا کرده بود و در شیراز نیز بیمارستان قدیمی اتابکیان را بازسازی و توسعه داد و ریاست آن را به محمدابن الیاس شیرازی واگذار کرد که دارای تالیفات پزشکی بوده از جمله کتاب لطایف الرشیدیه و دیگری تحفه الحکما که در استانبول نگهداری می‌شود.

همزمان با علم پزشکی ایرانیان در زمینه دامپزشکی نیز واجد ید طولایی بودند و ایرانیان از زمان های قدیم به رشته جانورشناسی و دامپزشکی توجه داشتند در اوستا دو طبقه برای حیوانات دیده شده و از نظر علمی حیوانات را به ۵ گروه خشک زی، وحشی، دارای سم و هوازی و آبی تقسیم می‌کردند و در زمان ساسانیان دامپزشکی ایران دارای سازمان بسیار

منظمی بود. در ایران قدیم درمانگاه هایی برای مداوای حیوانات وجود داشته نظام الملک از بازرگانان متدینی نام می برد که سگ بیمار را تحت درمان قرار می دادند. سنان ابن ثابت از کسانی است که به حیوانات توجه مخصوص داشت و در سال ۹۱۰ میلادی یک درمانگاه خاص حیوانات در بغداد دایر کرد.

در زمان عباسیان از وظایف محتسبین این بود که مواظب باشند حیوانات بیش از حد معمول بار نشده باشند و وقتی صاحب حیوان استراحت می کند بار حیوان روی آن نباشد. در دوران اسلامی دامپزشک نعلبند هم بود و تعداد بیماری هایی را که حیوانات به آن مبتلا می شوند را ۳۲۰ نوع می دانستند. مقدار زیادی از معلومات دامپزشکی یونانیان در بغداد مورد استفاده قرار می گرفت و در تاریخ آمده که ارسطو کتابی به نام فرس نامه ارسطویی دارد و در آن درباره اسب ها و انواع رام و سرکش آنها و نحوه تعلیف آن و علل سرکشی و چموشی و رنگ نمونه های اصیل آنها مطالبی برای اسکندر تهیه نموده است.

کتابی مجهول التالیف که مربوط به قرن ۱۳ میلادی در خصوص دامپزشکی مانده است بنام اقربادین فی علم طب الخیل درباره شناخت اسبان و بیماری ها و نحوه درمان آن ها اطلاعات جامعی دارد ولی غالب کتاب های ایرانیان در این زمینه از بین رفته است فخر الدین رازی از پزشکان نامی به دامپزشکی توجه داشته و در کتاب جامع العلوم خود فصلی را به حیوانات شکاری و درمان برخی از بیماری های حیوانات اختصاص داده است.

کتاب دیگری در باره حیوانات بنام عجایب المخلوقات نوشته زکریا بن محمد بن محمود قزوینی به سال ۱۲۷۵ میلادی بوده است و بخش دوم کتاب نزهت القلوب اثر حمد الله مستوفی شاید اولین کتاب جامع جانورشناسی در ایران باشد و او به جنبه های علمی جانورشناسی بیش از جنبه های حکایتی آن توجه ویژه معطوف داشته است و طرز تهیه انواع داروها با استفاده از قسمت هایی از بدن حیوانات را به دقت شرح می دهد و برای سهولت، حیوانات را به آبی و خاکری و هوازی تقسیم می کند. کتابی بنام منافع الحيوان که اکنون در کتابخانه پیر پونت مورگان نیویورک نگه داری می شود در سال ۱۲۰۰ میلادی در مراغه استنساخ شده و دیگری کتاب حیات الحيوان موسی دمیری است که در سال ۱۳۷۱ میلادی به پایان رسید. در قرن ۱۴ میلادی که تیموریان به حکومت رسیدند تا سال ۱۳۹۲ میلادی تیمور، مغولستان

و ایران و بغداد را تصرف کرد در قرن ۱۵ میلادی که حکومت جانشینان تیمور ادامه داشت یکی از جانشینانش که در پادشاهی فرد قابل نبود ولی در عرصه دانش واجد مقام والایی بود بنام پیر محمد کتاب تشریحی به زبان فارسی نوشت. لازم به ذکر است که در سال های قبل از اسلام تنها کشوری که پزشکان برای تشریح آزاد بودند ایران بود کما اینکه در عهد ساسانیان اجساد افراد اعدای را در اختیار پزشکان برای تشریح قرار می دادند تا جایی که کتاب تالیف شده علی ابن عباس اهوازی در علم تشریح تا سالیان مدیدی در اروپا تدریس می شد و جرجانی در قرن ۱۲ میلادی در کتاب ذخیره خوارزمشاهی بسیاری از صفحات خود را به علم تشریح اختصاص داده است.

در سال ۱۳۹۶ دانشمند برجسته ایرانی فقیه الیاس کتاب تشریح به زبان فارسی تالیف نمود که مصور بوده است. پس از انقراض سلسله تیموریان و به قدرت رسیدن عثمانیان ایران بین سه قدرت بزرگ چین و هند و عثمانی بود که عثمانی ها بیشتر برای ایرانیان مزاحمت ایجاد می کردند، تا اینکه شاه اسماعیل صفوی برای یکپارچه سازی ایران به پا می خیزد و حیات پزشکی ایران را می توان در این عصر مدیون محمد حسین نور بخش بهالدوله دانست که پدرش نیز به حرفه پزشکی اشتغال داشته و در قرن ۱۶ کتاب خلاصه التجارب خود را در شهر ری نوشت که خلاصه ای از تجارب بالینی و چکیده تجربیات یک پزشک پر مطالعه و حاذق است. در این کتاب بیش از ۱۲ بار نام بقراط و ۳۰ بار نام جالینوس و ۲۷ بار نام ابن سینا و ۱۰ بار نام رازی و دیگران را آورده و آن را می توان بهترین کتاب پزشکی پس از حمله مغول به ایران دانست به نحوی که علی افضل قاطع قزوینی از پزشکان طراز اول دوره صفویه مطالعه این کتاب را توصیه می کرده است.

پس از وفات شاه اسماعیل صفوی در سال ۱۵۲۴ میلادی واژه حکیم باشی به رئیس هیات پزشکی دربار اطلاق می شد که از ملازمان شاه بود و نظارت بر کلیه پزشکان ایالات و ولایات داشت. عطار باشی هم زیر نظر حکیم باشی فعالیت می کرد. پس از شاه اسماعیل که شاه طهماسب به سلطنت رسید، از اطبای حاذق این دوره میرزا ابوالفتح تبریزی و میرزا ابونصر گیلانی است که در همان موقع در تهران درمانگاهی دایر بود که بیماران بی بضاعت را مداوا می کرد و شربت خانه خیریه شاهی نام داشت و پزشکی بنام میرزا یارعلی رییس آن بود و به

حکیم خیری معروف بوده است. در این دوره یعنی قرن ۱۷ میلادی رونق مجدد خرافات و نقش اساسی ستارگان در سرنوشت انسان در اذهان قوت گرفت در سال ۱۶۶۹ میلادی کتاب تحفه المومنین نوشته میر محمد زمان تنکابنی و پسرش محمد مومن حسینی به شاه سلیمان صفوی هدیه شد که کتاب داروسازی بود و بر مبنای کتاب هندی و یونانی نوشته شده بود.

در قرن ۱۸ کسی بنام محمد اکبر شاه ارزانی، کتاب های طب اکبری و میزان طب و طب النبی را تالیف کرد که نوعا این کتاب ها در چاپ سنگی کلکته به چاپ می رسید. در این قرن در سال ۱۷۳۶ میلادی نادرشاه به سلطنت رسید او پزشک مخصوصی داشت بنام دامیان از اهالی لیون فرانسه و پس از لشکرکشی نادر به هند با توجه به اوضاع و احوال ایران دهلی به عنوان مرکز جدید پزشکی ایران درآمد و ایرانیان در عرصه پزشکی به گونه ای در آن دیار خوش درخشیدند که توانستند کما فی السابق جهانیان را از ثمرات خود برخوردار سازند.

در واقع پس از لطف علی خان زند تاریخ پزشکی ایران وارد مرحله جدیدی می شود و آغا محمد خان بنیان گذار سلسله قاجار سلسله ای را پی می نهد که تا سال ۱۹۲۵ بر کشور حکومت می کند و طی مدت مذکور شیوه های سنتی پزشکی ایران که مبتنی بر طب ابن سینا و جالینوس و رازی بود جای خود را به کشفیات پاستور و هاروی داد. پس از قتل آغا محمد خان همزمان پادشاهی فتحعلی خان، مقارن حکومت ناپلئون بناپارت در فرانسه بود. ناپلئون برای جلب نظر ایران برای عبور جهت حمله به هندوستان هیاتی را به ایران اعزام داشت و انگلستان و شرکت هند شرقی، برای خنثی کردن آن فعالیت ها هیات های مشابهی به ایران فرستادند که دارای پزشکان مخصوص به خود بودند که گام های اولیه را در راه تغییر شیوه های سنتی پزشکی ایران به روش های نوین برداشتند و در سال ۱۸۰۷ میلادی ژنرال گاردن سمت سفیر فرانسه را در ایران احراز کرد که با ۲۵ افسر و دو کشیش و یک پزشک و تعدادی سرباز و خدمتکار به ایران آمد. فرانسه از زمان گاردن نفوذ زیادی در ایران پیدا می کند و خدمات پزشک همراه گاردن در ایران بسیار ارزشمند بوده که پس از رسیدن به تهران درمانگاهی دایر کرد و رقابت انگلیسی ها در این مورد به جایی نرسید.

شرکت هند شرقی پس از سالیان زیاد به این نتیجه رسیده بود که خدمات پزشکی می تواند به طور وسیع مورد بهره برداری سیاسی قرار گیرد لذا در این امر سرمایه گذاری کردند پس

از مرگ فتحعلی شاه عباس میرزا که مورد حمایت انگلیسی ها بود به سلطنت رسید و او قبل از ناصرالدین شاه موجب نفوذ پزشکی غرب در ایران شد و پس از تحولاتی که در ایران اتفاق می افتد محمد شاه با کمک همه جانبه انگلیسی ها و روس ها به سلطنت می رسد و سپس نوبت به ناصرالدین شاه قاجار می رسد که او میرزا تقی خان امیرکبیر را به صدارت می گمارد که منشا اثرات کثیره و مهمه ای در طب ایران می گردد.

تا قبل از قرن ۱۲ هجری شمسی در بهداشت جامعه و کنترل بیماری ها متولی خاصی در کشور نبود تا این که فعالیت های بین المللی برای اداره امور بهداشت و درمان مردم منجر به کنفرانسی در سال ۱۹۰۰ میلادی در پاریس شد که نماینده ایران آن را امضا کرد و اولین مجلس حفظ الصحة دولتی در سال ۱۲۸۴ ه.ش حدود ۱۱۰ سال قبل تشکیل و نظام نامه ای هم برای آن نوشته شد. امیرکبیر برای اصلاح اوضاع بهداشتی مردم خدماتی انجام داد و قانون آبله کوبی عمومی را مقرر کرد و صندوق مخصوص خرج مریضان تاسیس کرد و والدینی که فرزندان شان را آبله کوبی نمی کردند مشمول جریمه قرار داد.

در سال ۱۲۲۷ میرزا تقی خان امیرکبیر صدراعظم ناصرالدین شاه مدرسه دارالفنون را راه اندازی کرد که یک آموزشگاه وابسته به دولت بود که علاوه بر رشته های نظامی، مهندسی و معدن دارای رشته پزشکی و داروسازی هم بود و اساتید خارجی در رشته پزشکی، طب اروپایی و اساتید ایرانی اصول طب بوعلی را تدریس می کردند. تا قبل از تاسیس دانشکده پزشکی دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۷، دارالفنون تنها مرکز آموزش پزشکی و داروسازی کشور بود که دیپلم طبابت می داد. پس از فراغت از تحصیل گروهی در رشته های مختلف از مدرسه دارالفنون در سال ۱۲۳۷ تعداد ۴۵ نفر عازم اروپا شدند که ۵ نفر آنان در رشته پزشکی تحصیل می کردند. اولین مریض خانه دولتی توسط امیر کبیر در سال ۱۲۶۸ افتتاح شد که داروخانه هم داشت و در مدت یک سال ۲۲۳۸ بیمار در آن معالجه شدند. ثبت نام پزشکان طبق قانون از سال ۱۲۹۰ آغاز شد و در سال ۱۲۹۷ مدرسه طب دارالفنون مستقل گردید. در سال ۱۳۰۴ کشور دارای ۹۰۵ نفر طبیب بود که ۲۵۳ نفر دارای دیپلم طبابت و ۶۵۲ نفر دارای مجوز طبابت بودند.

مجلس حفظ الصحة دولتی تا سال ۱۳۰۰ حدود ۲۱ سال فعالیت نمود که از اقدامات مهم

آن مایه کوبی علیه آبله و ایجاد ایستگاه‌های قرنطینه در مرزهای آبی و خاکی کشور بود و سپس تبدیل به وزارت صحتیه و امور خیریه شد و بعد تحت نام اداره کل صحتیه مملکتی از ادارات تابعه وزارت کشور به فعالیتش ادامه داد و به نام اداره کل بهداشتی، وزارت بهداشتی و بهزیستی و حالیه با نام وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی به فعالیتش ادامه می‌دهد و بعضی معتقدند که در سال ۱۲۵۰ هجری خورشیدی بیمارستان سینا اولین بیمارستان دولتی است که در ایران تاسیس شد. در سال ۱۳۰۰ شمسی انستیتو پاستور ایران تاسیس و تعدادی بیمارستان دولتی با ظرفیت ۱۲۰ تخت در تهران و شهرهای بزرگ مثل اصفهان و مشهد توسط دولت و افراد مذهبی ساخته شد.

پس از تاسیس دانشکده پزشکی دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۷ از سال ۱۳۳۲ تربیت متخصصان آغاز گردید و به دنبال آن تعدادی از پزشکان برای گرفتن تخصص به خارج از کشور اعزام شدند. دانشکده‌های پزشکی تبریز، مشهد، اصفهان، شیراز و اهواز در سال‌های بعد افتتاح گردید و تا دهه ۵۰، هفت دانشکده پزشکی در کشور وجود داشت و دانشکده‌های پزشکی فسا و جهرم در کنار دانشگاه شیراز و هم چنین دانشکده‌های پزشکی کرمان، ارومیه، کرمانشاه و همدان و علوم تندرستی تهران تاسیس شد.

پس از انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۹ با تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی، برنامه‌های آموزش پزشکی بازنگری گردید و در سال ۱۳۶۴ از مجموعه دانشکده‌ها و موسسات آموزش عالی گروه پزشکی و وزارت بهداشتی تشکیلات جدیدی به نام وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی با هدف این که هر استان دارای یک دانشگاه علوم پزشکی باشد تاسیس شد تا مسئول امور آموزش، پژوهش، بهداشت و درمان آن استان گردد.

تعریف حقوق

از آن جا که روابط اجتماعی آدمیان و کسب منفعت آنان در ابعاد گوناگون می‌تواند سبب اصطکاک این منافع گردد لذا به منظور پیشگیری از بروز تنش در زندگی اجتماعی و تنظیم روابط آحاد بشر با یکدیگر وضع قواعد و مقرراتی که ناظر بر اعمال و روابط اشخاص می‌باشد ضروری می‌نماید به مجموع این قواعد و مقررات که بر اعمال و روابط اشخاص حاکم است

اصطلاحاً حقوق می‌گویند.

کلمه حقوق که نوعاً بر سیاق جمع به کار می‌رود به مجموعه قواعد و مقررات حاکم بر یک جامعه گفته می‌شود که اختیارات و امتیازات خاصی را برای هر یک از افراد و اشخاص آن جامعه به رسمیت شناخته تا بتوانند در مالی دخل و تصرف کنند و انجام یا عدم انجام فعلی را از دیگران مطالبه نمایند، به این امتیاز و اختیار حق گفته می‌شود و حقوق به صورت جمع حق به کار می‌رود مانند حق مالکیت.

تعریف قاعده حقوقی

قاعده حقوقی قاعده‌ای کلی و الزام‌آور است که به منظور ایجاد و استقرار نظم و عدالت بر حیات اجتماعی انسان ناظر بوده و ضمانت اجرای آن بر ذمه حاکمان است.

ویژگی‌های قاعده حقوقی:

۱. کلیت داشته باشد:

الف. در خصوص فرد یا شخصی معین وضع نشده باشد هر چند افراد محدودی را شامل شود.
ب. واجد خصیصه استمرار باشد که این ویژگی با هدف حقوق که اجرا و تعمیم عدالت و ایجاد نظم و آسایش برای همگان است موافقت دارد و به همین علت انتشار قانون و آگاهی عمومی از آن ضرورت دارد.

۲. لازم‌الاجرا باشد: چون اجرای قاعده حقوقی مستلزم ایجاد حق و تکلیف برای آحاد جامعه است نمی‌تواند فاقد ویژگی الزام باشد چه در غیر این صورت حصول به هدف نهایی غیرممکن خواهد بود.

۳. ضمانت اجرا از طرف حاکمیت: قاعده فاقد ضمانت اجرا، نمی‌تواند قاعده حقوقی محسوب گردد، لذا وضع مجازات‌های کیفری برای کسانی که قواعد حقوقی را رعایت نمی‌کنند از مصادیق ضمانت اجرایی قواعد حقوقی است.

۴. قاعده حقوقی باید جنبه اجتماعی داشته باشد: از آن جا که زندگی اجتماعی انسان دارای دو وجه فردی و اجتماعی است و وجه فردی آن ناظر بر رفع حوائج و احتیاجات فردی است که منوط به تکالیف اخلاقی و وجدان شخص است اما به لحاظ اجتماعی صیانت

و حفاظت از حقوق انسان ها در مقابل تجاوزات دیگران محتاج به وضع قواعد و مقررات است و به همین دلیل مفهوم حق و تکلیف در زندگی اجتماعی پدیدار می گردد. لذا قواعد حقوقی برای تنظیم روابط اجتماعی انسان ها ایجاد می شود.

تعریف نظام حقوقی

مقصود و منظور از نظام حقوقی یک سیستم فکری است که قواعد و مقررات حقوقی بر اساس آن شکل گرفته است که در یک تقسیم بندی کلی به دو نظام اصلی مبتنی بر اصالت فرد و اصالت اجتماع تقسیم می شود که نوعا کشورهای اروپای غربی و آمریکا و استرالیا واجد نظام های حقوقی با مبنای اصالت فرد و کشورهایی با زیربنای تفکری کمونیسم و سوسیالیسم همانند کوبا در زمره نظام های حقوقی مبتنی بر اصالت اجتماع قرار دارند.

انواع نظام های حقوقی

۱. **نظام حقوقی لاتین:** زیربنای این نظام حقوقی منبعث از تعلیمات مذهب مسیح شاخه کاتولیک و نظرات فلاسفه و حقوقدانان قرن ۱۸ میلادی است که ویژگی اصل تفکیک قوا و استقلال هر یک در مقابل دیگری از ویژگی های بارز این نظام حقوقی است. بسیاری از کشورهای اروپای غربی به جز انگلستان و برخی از کشورهای آمریکای لاتین در این زمره اند.
۲. **نظام حقوقی غیرمدون:** مبنای این نظام هر چند برگرفته از اصول مذهب مسیحیت است ولی از حیث ایجاد قواعد حقوقی با نظام لاتینی تفاوت اساسی دارد زیرا در این نظام اصول حقوقی ناشی از قانون نیست بلکه عرف و رویه قضایی ملاک عملکرد دادگاه ها است که کشورهایی مثل کانادا، استرالیا، انگلستان از این نظام حقوقی پیروی می کنند.
۳. **نظام حقوقی سوسیالیستی:** مبنای تفکری نظام حقوقی سوسیالیستی بر اساس نظریات کارل مارکس و انگلس پایه گذاری شدند که نظام حقوقی اتحاد جماهیر شوروی سابق و چین و ویتنام بر اساس آن تدوین شده بود، هر چند امروزه این اصول دستخوش تغییرات بنیادین شده است و لیکن از لحاظ حفظ حقوق فردی و پایداری خانواده به اصول های نظام های حقوقی لاتین و غیرمدون شباهت دارد.

۴. **نظام حقوق اسلام:** بر اساس مبانی تفکری اسلام این نظام حقوقی منبعث از وحی است و قواعد اسلامی دارای ریشه الهی هستند و احکام تابع مصالح و مفاسدند و منابع چهارگانه کتاب، سنت، عقل و اجماع منابعی برای استنباط احکام الهی است و احکام اسلام جنبه الهی و فطری دارند.

تقسیمات علم حقوق

پیچیدگی روابط اجتماعی انسان ها در عصری که بشریت با تغییرات روزافزون مواجه است و هر لحظه باید با پدیده ای کاملاً نو که مسبوق به سابقه نبوده روبه رو گردد. تنوع و تعداد قواعد حقوقی و کثرت آن ها به حدی است که امکان احاطه آن ها برای یک فرد در تمامی طول حیاتش مقدور نبوده لذا به منظور کسب تبحر افراد و شناخت بهتر قواعد حقوقی و عمق بخشی، آن را به رشته های مختلف تقسیم می کنند.

انواع علم حقوق از منظر قلمرو حاکمیت ها:

۱. حقوق بین المللی

۲. حقوق داخلی

۳. حقوق تطبیقی

الف. تعریف حقوق بین الملل: عبارتست از مجموع قواعد و مقرراتی که بر روابط بین دول و سازمان های بین المللی حکومت کرده و روابط بین اتباع دول مختلف را هماهنگ می کند و دارای شقوق زیر است.

الف ۱. حقوق بین الملل عمومی: در این رشته از حقوق از روابط بین دولت های مختلف و تعهداتی که هر دولت در نظام بین الملل دارد بحث می کند.

الف ۲. حقوق بین الملل خصوصی: در این رشته از حقوق درباره روابط اتباع و دولت های بیگانه در قلمرو یک دولت بحث می شود که مقوله تابعیت در این زمره است.

الف ۳. حقوق جزای بین المللی: در این رشته از حقوق در خصوص جرائم مرتکبه بیگانگان در قلمرو حکومت هر کشور و نحوه اعمال این قوانین بر فرد مرتکب بحث می شود.

ب. حقوق داخلی: مجموع قواعد و مقرراتی که به هر جامعه و ملتی اختصاص دارد و روابط